



تول جامع علوم انسانی

بدون تردید مفداری از مشکلات اخلاقی جامعه و جوانان معلول عدم مراقبت های اخلاقی و تربیتی است . یعنی بی توجهی پسران و مادران موجب می گردد که فرزندان این مرز و بوم بامسائل اخلاقی و تربیتی آشنائی پیدا نکرده و در جامعه به انحراف کشانده شوند . پر واضح است پدری که معناد است همه توان خود را صرف تهیه مواد مخدر می نماید و همچنین مادری که عملاً " وقت خود را در مهمانی ها و خرید کردن های بی مورد تلف می نماید نمی تواند از انحرافات فرزندان در امان باشد .

معلم و خلافا شاکردان

شاید بتوان ادعا کرد که در مواردی دلسوزی ها و دخالت کردن هادرمسائل تربیتی بدون داشتن آگاهی و اطلاع لازم موجب پیدایش دشواری های فراوان وحادی می گردد که شاید آزاد گذاشتن و رها کردن فرزندان بحال خود آن دشواری ها رانداشته باشد .

یکی از مسائلی که صددرصد همه پدران و مادران و معلمان باید به آن توجه داشته باشند حفظ حرمت و شخصیت فرزند و شاگرد است . در مواردی برخی از پدران ومادران آنچنان بی تفاوت ازکنار آبرو و شخصیت فرزندان خود عبور می کنند که گوئی برای شخصیت و آبروی فرزندان خود اصلاً" اعتبار و ارزشی قائل نیستند و بزرگترین اشتباه تربیتی همین جااست که مربیان خیال می کنند تنها آبرو و حیثیت برای خود آنان مفهوم و معنا دارد و اما برای کودکان ارزش و بهائی ندارد . و حال آنکه به یقین می توان ادعا کرد که جوانان بحفظ آبرو و حیثیت خود بیش از بزرگترها نیازمند می باشند . زیرا بزرگترها وضعشان تثبیت یافته است و احتیاج چندانی به نائید و تثبیت دیگران ندارند ولی یک پسر جوان و یک دختر جوان که درعالم خیال و رویا زندگی کرده و درجامعه جائی برای خود بازنگرده است به نگهداشت آبرو و حیثیت بیشتر احتیاج دارد .

روی این اصل یکی از ضروری ترین مسائل که همیشه باید درمذ نظر معلمان و مربیان قرار گیرد موضوع شخصیت و آبروی کودکان و شاگردان است خواه شاگرد بانضباط و اخلاقی باشد و خواه متخلف و بی انضباط و به عبارت دیگر همه انسان هستند و انسان ها پای بند آبرو و حیثیت خود می باشند .

یکی از رسالت های پدران و مادران آشنائی آنان با شیوه های مراقبت و کنترل فرزندانشان می باشد . و باز بدون شک و تردید برخی از مشکلات اخلاقی جامعه ما معلول آشنا نبودن پدران و مادران با اصول تربیتی است . بقول شاعر نه هرکه کله کج نهاد و تند نشست ، آئین سبکداری داند . معلوم نیست هرکه مسئولیت پدر بودن و مادر بودن را بدست آورد بافتون تعلیم و تربیت کردن نیز آشنائی داشته باشد . و بتواند از گذرگاه های دشوار و سخت تربیت سلامت عبور نماید . نکته جالب اینکه کمتر دیده شده و یا شنیده شده پدری و یامادری و یامعلمی اقرار و اعتراف کند که صلاحیت پدر بودن و یامادر بودن و یامعلم بودن رادارا نمی باشد ، بلکه همه خود را صالح برای تربیت کردن می دانند و این خود فاجعه ای برای تعلیم و تربیت جامعه ما ست . بلی همه یا اکثریت افراد جامعه علاقه و ذوق تربیت کردن رادارا می باشند ولی معلوم نیست هر ذوق و علاقه ای باصلاحیت و شایستگی تربیت کردن نیز همراه باشد .

بنابراین عده ای از جوانان ما قربانیان سهل انگاری ها و مسامحه های پدران و مادران خود هستند و عده ای دیگر قربانیان جهل و نادانی ها و عدم آشنائی با اصول تربیتی می باشند .

نتیجه ای که از این مقدمه بدست می آید اینست که پدران و مادران در درجه اول باید اهل مراقبت کردن و کنترل نمودن بچه های خود باشند و در درجه دوم باید با اصول تربیتی آشنائی و الفت پیدا کنند ، چه مراقبت بافقدان آشنائی با مسائل تربیتی مفید فائده نخواهد بود .

اسم و رسمی بکار برده نشده است و این درسی از قرآن در حفظ و نگهداشت شخصیت افراد است .

یکی از دختران پیامبر بزرگوار (ص) که توسط همسرش تنبیه شده بود پس از چند روز از دنیا درگذشت . رسول خدا دریافتند که دخترش در اثر ظلم و ستمی که از جانب همسرش بر او وارد گشته از دنیا رفته است و این برای رسول خدا که سرچشمه عاطفه و مهر و محبت بود بسیارگران بود . معهذاً در روز تشییع جنازه دخترش یکنایه وایمأ و اشاره فرمود هر که در شب گذشته فلان رفتار را داشته است در تشییع جنازه دخترش شرکت ننماید . رسول خدا باین عمل برای دشمن خود و دخترش شخصیت قائل شده از ریختن آبرو در برابر جمع خود داری ورزیده بود .

خداوند در قرآن میفرماید : لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ عَلَيَّ كَثِيرًا مِمَّنْ خَلَقْنَا يَعْنِي مَا انْصَانَ رَابِعًا بسیاری از موجودات آفریده شده برتری دادیم پس انسان دارای شخصیت بوده و محترم و مکرم است . انسان ها علاوه بر آنکه نباید خود را خوار و ذلیل سازند بلکه دیگران را هم محترم شمرده در تکریم آنان باید تلاش نمایند .

امام جعفر صادق علیه السلام میفرمود بر امیرالمومنین علیه السلام دو نفر مهمان وارد شدند علی علیه السلام بعنوان احترام برای آنان ساده فرار داد (ساده ، نازبالش یا متکارا گویند) یکی پذیرا شده استفاده کرد دیگری در پذیرش این عمل امتناع ورزید . علی علیه السلام فرمود :

لَأَيُّبِي الْكَرَامَةَ الْإِحْمَارِ انْصَانَ عَاقِلٌ بزرگداشت و کرامت را رد نمی نماید .

پرواضح است که معنای حفظ و نگهداشت حرمت و آبروی شاگرد این نیست که اگر شاگرد عمل خلافی را انجام داد عمل او را نادیده گرفته از کنارش بی تفاوت گذرکنیم . چه بدیهی است که هر خلافی همانند میکروب در صورتی که با آن به مبارزه پرداخته نشود بزودی توسعه و گسترش یافته به انسان های دیگر انتقال خواهد یافت . لذا در روایات اسلامی آمده است که اگر انسانی متوجه شود که یکی از برادران دینی او عمل ناروا و زشتی را انجام می دهد و او توان آن را دارد که آن شخص را از آن عمل ناروا باز دارد ، اگر در انجام اینکار کوتاهی و سستی روا دارد در حقیقت به آن شخص خیانت کرده است بنابراین مشاهده اعمال خلاف و چشم پوشی و یا بی تفاوتی از کنار آن گذر کردن در حقیقت یک نوع خیانت به جامعه می باشد .

بلکه منظور اینست که مربیان و معلمان در برخورد با خلفاها باید بکوشند با حفظ آبرو و حیثیت انسان ها بقلع وقوع آن بدیها و خلفاها بپردازند . قرآن که خود مجموعه ای از تعلیم و تربیت است از اول تا آخر در عین شرح و بیان حوادث و داستان ها و بازگو کردن زندگی انسان های شایسته و فاسد تا آنجا که ضرورت ایجاب نکرده از اسم بردن ها خود داری نموده سعی و کوشش را بر این معطوف کرده که مسائل اخلاقی و تربیتی و فساد و تباهی همه انسانها را بطور کلی و نامشخص ذکر نماید . بعنوان مثال خداوند می فرماید : عَبَسَ وَ تَوَلَّى أَن جَاءَهُ الْأَعْمَى یعنی عبوس و ترشوگشت که نابینائی در کنارش حضور یافت در حالی که از انجام دهنده این عمل و شخص نابینا اصلاً

خلاف دست برخواهد داشت .

از این گذشته این موضوع تربیتی را با همه وجود لمس کرده در ارتباط با دیگران همین روش را بکار برده از آبروریزی دیگران خودداری خواهد کرد .

بدیهی است اتخاذ این روش در صورتی نیکو است که شاگرد از این فرصت سوء استفاده ننماید والا اگر چنین باشد در فرصتی باید او را بطور انفرادی مورد راهنمایی قرار داد و در فرصت دشواری می توان او را در جمع شاگردان مورد عتاب و خطاب قرار داده آبروی او را هم ریخت بدیهی است تشخیص تجویز انجام این عمل در اختیار مربی می باشد و به عبارت فشرده تا ضرورتی پیش نیاید باید شخصیت و آبروی دیگران حتی فرزندان و دانش آموزان را محفوظ نگه داریم .

پیامبر بزرگوار می فرمود: **اِذَا اَتَاكَ كَرِيْمٌ قَوْمٍ فَارْكَمُوهُ** هرگاه شخص محترم و بخشنده ای از خانواده ای نزد شما آید شما او را تکریم نمایید . مرحوم شهید ثانی در کتاب منیه المریید میفرماید: معلم باید در ارشاد شاگرد و جلوگیری از تخلفهای اخلاقی او از روش تعریض و کنایه استفاده کند و از تصریح و درگیریهای موهن و تحقیر کننده بپرهیزد . بعنوان مثال اگر معلم رفتار نامطلوبی را در یکی از شاگردان مشاهده کند نباید با صراحت لهجه او را در تخطفش هشدار داده سیل عتاب و سرزنش را بسوی او سرازیر سازد، بلکه معلم همه شاگردان را مورد خطاب قرار داده عمل خلاف را مورد تنبیح قرار دهد بدون اینکه کمترین اشاره ای به شخص و یا فردی بنماید .

شاگرد، متخلف وقتی آبرو و شخصیت خود را محفوظ ببیند بطور غیر مستقیم تنبیه شده از عمل

